



کتیپا، ایران تئاتر

مسعود میرطاهری، بازیگر:

«متداکتینگ» باید اصولی تدریس شود

✎ فکر می‌کنید دلیل جذابیت این متد در چیست؟

متد اکتینگ به شما به‌عنوان یک بازیگر، ابزار بازیگری شما یعنی بدن و احساسات شما و تماشاکر بستگی دارد که هر سه به سمت یک هدف، یعنی خلق واقعیتی صریح و بی‌پرده و درک و دریافت صحیح آن نشانه رفته است. پس کار شما به‌عنوان بازیگر فقط این نیست تجربیاتی که کاراکتر شما روی صحنه تجربه می‌کند را درک کنید یا آنها را «بازی» کنید، شما باید آنها را مجدداً «تجربه» کنید، مجدداً «خلق» کنید. در این صورت نمایش شما برای تماشاکر، نه‌فقط یک نمایش، بلکه برشی واقعی از یک زندگی واقعی است.

دلیل اینکه ما از تماشای بازی بازیگرانی همچون رابرت دنیرو، داستین هافمن، آل پاچینو، مریلین مونرو، اسکارلت جوهانسون و... لذت می‌بریم این است که این بازیگران متناکر، به‌هیچ‌وجه بازی نمی‌کنند، آنها در همان حالی که ما مشغول تماشایشان هستیم، در حال زندگی‌کردن لحظه هستند. آنها باورپذیرند، چون واقعی‌اند. آنها دوست‌داشتنی و فراموش‌نشدنی هستند، چون دروغ نمی‌گویند و سعی در فریب‌دادن ما ندارند.



✎ روش شما برای تدریس این متد چیست؟

من از سال ۹۴ به صورت مداوم این دوره‌ها را برگزار می‌کنم به صورت شیوه‌مند، حدود ۳۰ بازی که در آکادمی‌های بازیگری معتبر دنیا برای آموزش اصول متد اکتینگ، با هنرجویان کار می‌شود را تمرین می‌کنم و تکنیک‌های اولیه – ریلکس‌کردن، مهارت استفاده از حافظه حسی، تمرکز، تخیل و تصویرسازی- و تکنیک‌های ثانویه متد را که برگرفته از سرفصل‌های آموزشی آکادمی گروپ تئاتر آمریکا است را آموزش می‌دهم.

✎ شما تجربه ۲۷ سال تدریس را دارید. این تجربیات چه تأثیری بر روند تدریس این کلاس‌ها گذاشته است؟

من از کلمه اولین نفر زیاد خوشم نمی‌آید، اما من و همسرم پوپک رحیمی که محقق و مترجم است و بخش تحقیق و پژوهش درباره تکنیک‌های این شیوه را بر عهده دارد، با هم طرح درس و روند آموزش را پی‌ریزی می‌کنیم. باید عرض کنم به این شکل مدون و شیوه‌مند برای اولین‌بار است که کلاس بازیگری را پیش می‌بریم، تفاوت ما در این است که برای هر جلسه طرح درس داریم و کاملاً براساس سرفصل‌های متد کار می‌کنیم. اکتفای من تنها به انتقال دانسته‌ها و تجربیاتم به دانشجویانم نیست، خاطره تعریف نمی‌کنم یا تجربه کاری خود را

تئاتر

مبانی نقد تئاتر فرامردن

تئاتر به مخاطب نیاز دارد و بدون آن هیچ است. به‌همین‌دلیل، حقانیت و اصالت هر تجربه تازه‌ای در حوزه تئاتر و نمایش را باید در نقش و جایگاهی که آنها برای مخاطب قائل می‌شوند مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد.

بنابراین در کشور ما تسلیم‌شدن در برابر هرگونه نوآوری در تجربه تئاتری، غیر از دامن‌زدن به سوءتفاهمات و بدفهمی‌های روبه رشد، کار دیگری برای تئاتر ما نمی‌کند. حذف مخاطب از فرایند تجربه تئاتری به معنای حذف اصالت از تئاتر و میدان‌دادن به توهم خلاقیت به جای خلاقیت ناب و اصیل هنرمندانه است. این روند بویژه در تئاتر سال‌های اخیر ما که هنوز و همچنان یک تئاتر سراسر تحت حمایت دولت باقی مانده است، می‌تواند بسیار نگران‌کننده‌تر باشد. در چنین تئاتری که استقبال و نیاز مخاطب، آخرین حلقه در زنجیره ارزیابی ارزش‌های واقعا موجود اثر هنری است، کنش نقد و ارزیابی، بیش از هر زمان دیگری به کنشی حساس و حیاتی تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، بررسی میزان همخوانی و تعامل عناصر صحنه با یکدیگر و فضایی که برای دخالت ذهنی و مشارکت عاطفی و عقلانی مخاطب درنظر گرفته می‌شود، به یکی از مهم‌ترین وظایف نقد و منتقد تئاتر تبدیل می‌شود.

در نگاهی کلی، آثار تجربی تئاتر امروز ما را می‌توان جایی در میانه راه تئاتر دراماتیک و تئاتر غیردراماتیک مورد ارزیابی قرار داد. مشکل اصلی تئاتر امروز ما – که شاید به لحاظ تنوع ساختاری بزرگ‌ترین معلم‌های متد است را تدریس می‌کنم، هرچند نگاه استلا ادلر با لی استرابرگ که هر دو در این زمینه روش‌های بی‌نظیری را ارائه داده‌اند مقداری اختلاف دارد، اما شهرت استلا ادلر در این است که او تمرینات خاص و بسیار کاربردی برای آموزش تکنیک‌های متد ارائه کرده و بازیگران بزرگی کلاس‌های او را راهگشای خود در عالم سینما بیان کرده‌اند.

✎ به نظر شما مهم‌ترین مشکلات بازیگران جوان ما چیست؟

یکی از مشکلات اساسی هنرجویان و علاقه‌مندان بازیگری این است که در امر آموزش و یادگیری، عشق و علاقه لازم کم است، آنها می‌خواهند بدون زحمت زیاد و تمرین و تلاش بسیار، سریع به مرحله اجرایی برسند، واقعا یک هنرجو چگونه می‌تواند بازیگری را بیاموزد، حرفه‌ای که چم‌وخم‌های خود را دارد و باید ساعت‌ها هنرجویان تمرین کنند و در کلاس‌های آموزشی تمرینات لازم را ببینند، ابزار بازیگر بدن و بیان و احساس او است و یک بازیگر مدت‌ها باید کار کند تا یاد بگیرد از این ابزار به بهترین شکل استفاده کند. یک هنرجو موسیقی که تصمیم می‌گیرد نواختن سازی را بیاموزد تا لحظه‌ای که روی صحنه و در قالب ارکستر نوازد، باید سال‌های متمادی آموزش ببیند و در تمرینات خود ممارست به خرج بدهد تا در استفاده از ابزار خود یعنی ساز تبحر پیدا کند. مسلماً هیچ هنرموز موسیقی به محض یادگرفتن جای نت‌ها روی ساز توقف حضور بر صحنه را ندارد، اما عیب بزرگ بازیگری در این است که هنرموز بازیگری، قبل از پایان ترم اول توقع اجرای عموم یا حضور جلوی دوربین را دارد و خود را بازیگر می‌نامد

✎ به نظر شما تأثیر کلاس‌های بازیگری حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در این امر چیست؟

به نظر من دلیل این امر این است که آموزش بازیگری در جامعه ما لازمه بازیگرشدن نیست، بلکه بازیگری را امری ذاتی و استعدادی می‌دانند، درحالی‌که اگر کسی استعدادی دارد، بدون پرورش و هدایت در مسیر صحیح امکان شکوفاشدن ندارد. دلیل دیگر مسائل حاشیه‌ای بازیگری است و این امر باعث شده هنرجویان، به آموزش سطحی نگاه کنند و اساساً امر یادگیری را بی‌مورد پندارند. او فکر می‌کند با یک بار روی صحنه‌رفتن فاتحه آموزش را باید بخواند و فوراً خود را در گروه بازیگران قرار دهد. کاش به مرحله‌ای برسیم مثل دیگر کشورهای مطرح نگذاریم کسی بدون آموزش اصولی وارد دنیای بازیگری شود. وقتی بازیگران برای حرفه خود احترام و ارزش قائل نشوند حتماً دامنه بی‌سوادی در بازیگری گسترده‌تر و وسیع‌تر می‌شود و هرکسی توقع دارد چون من به خیال خودم مستعد هستم پس به‌راحتی می‌توانم بازیگر شوم، ولی یک هنرجوی موسیقی بدون شک می‌داند حتی دست‌گرفتن یک ساز مستلزم طی‌کردن زمانی طولانی برای آموزش و تمرین است؛ حتی اگر بر این تصور باشد که خیلی استعداد دارد. برای آموزش بازیگری ارزش‌های مهمی وجود دارد.

دریچه

چند سطر درباره «چند درجه سو: تفاهم در مقیاس اتللو»

رویکرد شباهت‌گونه به شکسپیر



فارس باقری

سعی می‌کنم زاویه‌ای پیدا کنم تا از راه آن بتوانم این نمایش را توضیح دهم. ابتدا متن نمایش‌نامه است. نویسنده میان دو متن یکی در گذشته (تاریخ) و دیگری در اکنون، نسبتی از جنس شباهت ایجاد کرده است. بنیان نوشتاری نمایش‌نامه نیز بر همین رویکرد شباهت‌گونه است. متنی که در جایی از تاریخ وجود دارد- اتللو- و زندگی بازیگری که به شکل توازی در روایت کنونی به پیش می‌رود: شباهت شک‌کردن اتللو و شک‌کردن بازیگر اتللو. این نزدیک‌ترین چیزی است که نویسنده انتخاب کرده است تا از راه آن روایت موجود در نمایش‌نامه را تکمیل کند. این رویکرد شباهت‌گونه، امکان‌های دیگر روایی را از میان برده است. هر چند نویسنده، بخش‌های مختلف نمایش‌نامه را بادقت نوشته است. نیز پاره‌پاره‌بودن این روایات و نقاط تقاطعی روای‌ها را درست انتخاب کرده است. آنچه سرنوشت یکی – در تاریخ- و دیگری (بازیگر) -اکنون- را شبیه به یکدیگر کرده همین شباهت روایی است و تنها عنصر متضاد و درواژگونگی عنصر پایانی نمایش‌نامه است که این را نویسنده بادقت انتخاب کرده است، پایان یکی با کشتن زن (تاریخ) و دیگری با عدم کشتن او پایان می‌گیرد. به نظر نویسنده، این دو شکل از رفتار، در مقایسه با هم (تاریخ/ معاصر) مورد توجه قرار گرفته است. گویی نویسنده باور دارد که در وضعیت معاصر، جوامع عاری از خشونت شده‌اند. بدون توافق یا مخالفت با این ابده، این چیزی است که نویسنده تلاش کرده است با کنار هم قراردادن این دو شکل از زندگی و رفتار، آن را در نمایش‌نامه‌اش بازمانی کند. این انتخاب نویسنده است و به شکلی بازتابِ نگرش نویسنده و انتخاب مصالحی است که او در متن به کار برده است.

اما به نظرم کار مهم‌تر در اجرا اتفاق افتاده است. اجرا، رویکرد رادیکال‌تری نسبت به متن اتخاذ کرده است. کارگردان با دقت و بهره‌گیری از بازی خوب آقای محمدرضا ترابی، تلاش کرده است میان این شکل از تشبه و روایت متوازی، گسست‌هایی در اجرا ایجاد کند. او این عمل را از راه اعوجاج بدن، زبان و رفتاری گسسته در صحنه انجام می‌دهد؛ دقتی که کارگردان در جزئیات عناصر و در چیدمان اجرایی سعی در رعایش دارد. کارگردان با رویکردی تقلیل‌گرایانه، از راه برجسته‌سازی بدن و رفتارهای بسیار زیاد بدنی بازیگر آن را به انجام می‌رساند؛ چیزی که در پایان کلیت این ایده و تضاد و تناقض شباهتی متن را از میان می‌برد. این را در تصویر پایانی درمی‌یابیم که در صحنه با غیاب بازیگر مواجهه پیدا می‌کنیم و تنها اثری ناچیز از شخصیت در صحنه داریم؛ غیابی که شخصیت برای نگه‌داشتن این جهان، خود را ناچار از آن غیب می‌کند. اما به‌عنوان پیشنهاده، می‌توان گفت کارگردان و بازیگر می‌توانند به نفع شیوه اجرایی نمایش، بیشتر از این، بر ژست بازیگر در فضا متمرکز شوند؛ ژستی که در اکنون به نقطه‌ای در مکان تقلیل یافته است، با وجود این: اجرای نمایش «چند درجه سو:تفاهم در مقیاس اتللو»، تجربه خوبی برای گروه اجرایی است که ارزش دوباره‌دیدن دارد. انسجام بازی و تمرکز و وقت اجرایی این اثر را به پدیده‌ای دیدنی بدل کرده و این با بازی خوب آقای محمدرضا ترابی لذت‌بخش‌تر شده است.

تماشاخانه

«بوی خواب» محمد چرمشیر اجرا می‌شود

بازخوانی اثری از استاپارد

سهراب سلیمی نمایش «بوی خواب» نوشته محمد چرمشیر را از هفته اول آبان در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌برد. این کارگردان و بازیگر تئاتر درباره جدیدترین فعالیت خود در زمینه کارگردانی به «مهر» گفت: محمد چرمشیر براساس طرحی از تام استاپارد که توسط زنده‌یاد هوشنگ حسامی با عنوان «رامش از نوعی دیگر» و توسط علی امینی‌نجفی با عنوان «صلح انفرادی» ترجمه شده است، بازخوانی‌ای را انجام داده و نمایش‌نامه‌ای را با عنوان «بوی خواب» نوشته که قرار است این اثر نمایشی را از هفته اول آبان در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر به صحنه ببریم.

او درباره بازیگران این اثر نمایشی افزود: در نمایش «بوی خواب»، مسعود دلخواه، قاسم زارع و ژیلآ آل‌رشاد به ایفای نقش می‌پردازند.

سلیمی از حمیده صمدی به‌عنوان دستیار کارگردان، جواد روشن به‌عنوان مدیر برنامه‌ریزی، رضا مهدیزاده به‌عنوان طراح صحنه، ادنا زینلیان به‌عنوان طراح لباس و ابراهیم اقبائی به‌عنوان طراح موسیقی «بوی خواب» نام برد. این کارگردان تئاتر که پیش از این نمایش‌نامه‌هایی از اریک امانونل اشمیت نظیر «نوی اسرارآمیز»، «مهماسترای دو دنیا» و «عشق‌لرزه» را به صحنه برده بود، درباره دلیل اجرانکردن اثری جدید از این نمایش‌نامه‌نویس معاصر یادآور شد: آخرین نمایش‌نامه اشمیت با عنوان «جنایت در تئاتر بولوار» توسط هایده جازری ترجمه شد و به دستم رسید که در زمان تصدی آقای پارسیایی در اداره کل هنرهای نمایشی این اثر را به شورای نظارت و ارزشیابی ارائه دادم. قرار بود «جنایت در تئاتر بولوار» را در سال ۹۱ در تئاتر شهر اجرا کنم که با تغییر مدیریت در اداره کل هنرهای نمایشی و حضور آقای مسافر آستانه همراه شد، سپس این اثر در دست پریسا مقتدی به‌عنوان رئیس تئاتر شهر قرار گرفت و در شورایی که برای تئاتر شهر شکل گرفت، مطرح شد.

وی در پایان عنوان کرد: شورای مجموعه تئاتر شهر با نمایش‌نامه «جنایت در تئاتر بولوار» مشکل داشت و از من خواست نمایش‌نامه دیگری را ارائه دهم. سال گذشته هم که پیشنهاد اجرای این نمایش‌نامه را به تئاتر شهر ارائه دادم، من به اعلام دهم که به دلیل شرایط مالی اثر دیگری را برای اجرا پیشنهاد دهم که در نهایت نمایش‌نامه «بوی خواب» برای اجرا در نظر گرفته شد.



نظارت می‌رود.
پی‌نوشت:

۱- کارگردانی تئاتر پستمردن، ص ۲۷۵. اثر جان ویتمور. ترجمه صمد چینی‌فروشان

۲- کارگردانی تئاتر پستمردن، ص ۹۲ اثر جان ویتمور- ترجمه صمد چینی‌فروشان

هنرمندان پیش‌کسوت و مطرح عرصه نمایش نشان‌دهنده یک تئاتر پویاست که نسل جوان تئاتر آن را در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌برد و من امیدوارم در روزهایی که میزبان شما تماشاگران فهیم است، بتواند مورد توجه دوستداران تئاتر قرار گیرد.
کلاب آدینه، حسین مسافرآستانه، محسن حسینی، افشین هاشمی، سالار عقیلی، بابک زرین، افشین مقدم، داریوش اقباشاوی، حریر شریعت‌زاده، علیرضا مسعودی، جواد عزتی، مه‌لقا باقری، رضا مرتضوی، پیام امیرعبدالهیان و پیمان شریعتی از جمله افرادی بودند که در آیین آغازین نمایش «کلنل» حضور داشتند.
نمایش «کلنل» به نویسندگی و کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور هر روز ساعت ۱۹:۳۰ با بازی حسین پاکدل، شهرام حقیقت‌دوست، مونا فرجاد، اتابک نادری، سیروس همتی، علی سلیمانی، وحید نفر، علی‌رضا ناصحی، آتیة جاوید، الهه شه‌پرست، جواد پورزند، حسین شفیعی، آناهیتا خسروی، سمیرا سلیمی، رها مقدم، محسن مهری‌دروی، میلاد ابراهیمی، محمد شکری، سیامک توده‌فلاح، امیر باده‌دست و ایسان حداد در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود.

علاقه‌مندان و تماشاگران می‌توانند برای آگاهی از تازه‌ترین رویدادها و اطلاعات آثار نمایشی مجموعه تئاتر شهر به سایت این مجموعه با آدرس www.teatreshahr.com مراجعه کنند.

حیوانات است که در مغازه‌اش به خواب رفته و خود را گرفتار در قفس حیوانات و کابوسی ترسناک می‌بیند. او در پی نجات از حیوانات می‌گریزد، ولی هربار به مانعی برخورد می‌کند... .

چراغ نمایش «کلنل» روشن شد

اجرای نمایش «کلنل» به نویسندگی و کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور با روشن‌شدن نمادین چراغ این اثر نمایشی به وسیله تعدادی از هنرمندان در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر آغاز شد.

به گزارش روابطعمومی مجموعه تئاتر شهر، نمایش «کلنل» به نویسندگی و کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور جمعه‌شب چهاردهم مهر ماه با حضور تعدادی از هنرمندان موسیقی، تئاتر و مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با روشن‌شدن نمادین چراغ این اثر نمایشی در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر آغاز شد.

مهدی شفیعی مدیرکل هنرهای نمایشی قبل از آغاز اجرای نمایش گفت: خیلی خوشحالم که بعد از اجرای نمایش پرمخاطب «اعتراف» به کارگردانی شهاب حسینی و حضور استاد علی نصیریان، نمایش ارزشمندی مانند «کلنل» با حضور هنرمندان مطرح و جوان تئاتر کشورمان این چنین با حضور پرتعداد تماشاگران اجرای خود را آغاز می‌کند. وی افزود: حضور یک گروه جوان از هنرمندان مستعد تئاتر ایران در کنار

گروه هنر: فیلم انیمیشن «آدم خانگی» از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی «مرضیه ابرار‌پایدار» در جمع ۱۰ فیلم انیمیشن برتر جشنواره محیط زیست و طبیعت «اینسبرگ» اتریش قرار گرفت. به گزارش روابطعمومی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، شانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی محیط زیست و طبیعت «اینسبرگ» در روزهای ۱۸ تا ۲۱ مهر در کشور اتریش برگزار خواهد شد و انیمیشن «آدم خانگی» ساخته «مرضیه ابرار‌پایدار» به عنوان یکی از ۱۰ فیلم انیمیشن برتر جشنواره روی پرده خواهد رفت. این فیلم‌ها تولید کشورهای اتریش، ایران، آلمان، فرانسه، هلند، کرواسی و سوئیس هستند. پیش از این اعلام شده بود که «آدم خانگی» موفق به کسب جایزه بهترین فیلم انیمیشن سومین دوره جشنواره بین‌المللی NEZ هند و نامزد دریافت جایزه از دهمین جشنواره جهانی فیلم محیط‌زیستی «کوالالامپور» هم شده است که در روزهای ۲۳ تا ۲۹ اکتبر ۲۰۱۷ در مالزی برگزار خواهد شد. این فیلم ضمن قرارگرفتن در لیست ۱۵ فیلم کوتاه انیمیشن برتر جشنواره کانتربری Canterbury انگلیس، در جشنواره بین‌المللی کارتون و انیمیشن سنول SICAF و جشنواره فیلم‌های بسیار کوتاه «سنول» کره‌جنوبی نیز به نمایش درآمده است.

گفتنی است: انیمیشن «آدم خانگی» داستان یک مرد فروشنده